موضوع: درباره خاتمیت و پاسخ به برخی شبهات

فلسفه و حکمت خاتمیت

گفته شد از نظر تحلیل عقلی در معارف دینی به صورت اجمالی می توان به این نکته پی برد که ملاک خاتمیت، به کمال رسیدن شریعت اسلام است. به عبارت دیگر آنچه در زمینه ارسال نبوت و آمدن شریعت برای بشر تا قیامت لازم بوده است، در شریعت اسلامی و از طریق نبوت پیامبر گرامی اسلام (ص) بیان شده است. بر این اساس دیگر آمدن نبی جدید و یا شریعت دیگری معنا نخواهد داشت.

در این باره به تحلیل عقلی و سپس به آیه اکمال دین (سوره مانده، آیه 3) استناد شد و گفته شد این آیه مربوط به نصب امیرالمومنین (ع) در غدیر خم در یک مراسم رسمی و عمومی به عنوان پیشوای امت اسلامی بعد از پیامبر اکرم (ص) است. پس به تصریح این آیه شریعه، دین به کمال خود رسیده است و وقتی چیزی به کمال مطلوب خود رسید، پایان یافته و نبوت دیگری معنا نخواهد داشت.

استناد به آیه تبیان بر مساله خاتمیت

در این گفتار به آیه دیگری استناد می کنیم که همین مطلب را بیان می کند. قرآن کریم می فرماید: «وَ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ وَ هُدىً وَ رَحْمَةً وَ بُشْرى‏ لِلْمُسْلِمين‏»[[1]](#footnote-1): و اين كتاب را بر تو نازل كرديم كه بيانگر هر چيزى و هدايت و رحمت ومژده‏اى براى تسليم‏شدگان [ به فرمان‏هاى خدا] ست‏.

این آیه شریفه بیان می کند که قرآن کریم بیان گر هر چیزی است. اما سوال این است که مراد از کل شی چیست؟ در این باره دو دیدگاه مطرح شده است:

1. دیدگاه اول می گوید کل شی به قرینه آیات دیگر و شان و مقام پیامبر اکرم (ص)، دلالت بر همه چیزی دارد که در زمینه هدایت مردم لازم است. فلسفه کتاب آسمانی نیز همین است، اما در حوزه های دیگر مانند تفاصیل مربوط به عالم طبیعت، تفاصیل مربوط به وقایع تاریخی و مانند آن دیگر در راستای رسالت پیامبر الهی قرار ندارد. البته این مطلب به این معنا نیست که ورود او به این حوزه ها ممنوع است، بلکه چه بسا چون در هدایت نقش آفرین است، در این عرصه ها هم ورود داشته است اما این یک امر ثانوی است. در آیات دیگری هم وقتی سخن از قرآن کریم آمده است، مساله هدایت گری آن مطرح می شود: «ذلِكَ الْكِتابُ لا رَيْبَ فيهِ هُدىً لِلْمُتَّقين‏»[[2]](#footnote-2) و «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي أُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ هُدىً لِلنَّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى‏ وَ الْفُرْقان‏».[[3]](#footnote-3) شاهد دیگر بر این مطلب این است که وقتی از پیامبر اکرم (ص) درباره شکل هایی که ماه پیدا می کند سوال می شود، آن حضرت به قانون طبیعی این پدیده نمی پردازد بلکه پاسخ می دهد که برای این است که مردم اوقات را بشناسند.

سوال و جواب

اگر رسالت قرآن کریم مربوط به هدایت مردم است و قوانین و احکام مربوط به زندگی انسان اعم از عبادات و غیر آن را بیان کند، چرا تفاصیل آن ها در قرآن نیامده است؟ مفسرین این را به سنت و روایات ارجاع می دهند که اهل بیت (ع) از آن سنت مطلع هستند.[[4]](#footnote-4)

2. دیدگاه دیگر این است که عبارت «تبیانا لک شی»، اطلاق داشته و شامل همه چیز می شود. برخی عالمان اسلامی گفته اند افرادی بوده اند که با تامل در قرآن کریم به مطالب و وقایعی دست یافته اند که دیگران دست نیافته اند.[[5]](#footnote-5) از برخی علما نقل شده که گفته اند آنچه در عالم هست غیر از علومی که به ذات الهی اختصاص دارد، بقیه در قرآن هست و افراد خاصی توانسته اند از آن بهره مرند شوند.

علامه طباطبایی در المیزان، بعد از بیان دیدگاه اول که مشهور است گفته اند: اگر تبیانا را تبیان لفظی بدانیم این دیدگاه هماهنگ با مفاد ظاهری آیه شریفه است ولی در روایات آمده است که در قرآن کریم علم ما کان و ما یکون قرار دارد. اگر این روایات از نظر سند صحیح باشند، مقصود از تبیان اعم از دلالت لفظی است یعنی چه بسا قرآن کریم علاوه بر این بیانات لفظیه رموزی دارد که افراد عادی از آنها خبر ندارند و کسانی که از اسرار عالم و باطن کتاب الهی آگاهی دارند این اسرار را می دانند.[[6]](#footnote-6)

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «في كتاب اللّه على أربعة أشياء: العبارة و الإشارة و اللّطائف و الحقائق، فالعبارة للعوام، و الإشارة للخواص، و اللّطائف للأوصياء، و الحقائق للأنبياء»: کتاب خدا بر چهار بخش است: عبارت، اشاره، لطائف و حقائق. عبارت برای عموم مردم است و آنان آن را درک می کنند. اشارات قرآن را تنها خواص درک می کنند. بخشی از قرآن کریم که لطائف قرآن کریم را اولیاء الهی می فهمند. و آن بخش که از جنس حقایق است به انبیاء الهی اختصاص دارد.[[7]](#footnote-7)

این مطلب که قرآن کریم در بردارنده همه حقایق است در روایات فراوانی آمده است[[8]](#footnote-8). در روایتی امیرالمومنین (ع) فرمودند: «إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا مَضَى وَ عِلْمَ مَا يَأْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حُكْمَ مَا بَيْنَكُمْ وَ بَيَانَ مَا أَصْبَحْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ فَلَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ لَعَلَّمْتُكُمْ»[[9]](#footnote-9): در قرآن کریم، علم آن چیزی که گذشته و علم آن چیزی که می آید تا قیامت آمده است ... و اگر از من سوال کنید آنها را برای شما می گویم.

در روایت دیگری امام صادق (ع) فرمود: خبر آسمان و زمین و خبر بهشت و دوزخ و خبرآنچه واقع شده و آنچه واقع شدنی است در قرآن است و من همان طور که به کف دستم می نگریم آن را می دانم. بعد حضرت به همین آیه تبیان استشهاد می فرماید.[[10]](#footnote-10) در این روایت امام (ع) تبیان کل شی را به صورت مطلق و بدون قید معنا کرده اند.

در روایت دیگری از امام صادق (ع) همین مضمون آمده است: « كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ وَ خَبَرُ مَا بَعْدَكُمْ وَ فَصْلُ مَا بَيْنَكُمْ وَ نَحْنُ نَعْلَمُهُ».[[11]](#footnote-11)

در روایت دیگری حماد لحام می گوید: امام صادق (ع) فرمود: ما امامان اهل بیت، آنچه در آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است را می دانیم. حماد لحام می گوید: من از این سخن امام شگفت زده شده و با حیرت به امام نگاه می کردم. امام برای رفع حیرت من فرمود: این مطالب در کتاب خداوند است و بعد آیه تبیان را تلاوت فرمودند.[[12]](#footnote-12)

امام صادق (ع) فرمود: « إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تِبْيَانَ كُلِّ شَيْ‏ءٍ حَتَّى وَ اللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئاً يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أُنْزِلَ فِي الْقُرْآنِ- إِلَّا وَ قَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ»: خدای متعال در قرآن کریم تبیان هر چیزی را نازل فرموده است، حتی سوگند به خدا، هر آنچه بندگان به آن نیاز دارند و از طریق وحی باید به آن برسد، آگاه باشید که خداوند آن را در قرآن کریم بیان کرده است.[[13]](#footnote-13)

حاصل اینکه تبیان کل شی، یعنی قرآن کریم همه چیز را دارد اعم از آنچه مربوط به حوزه هدایت انسان است و غیر آن. اکنون می گوییم این مطلب گره می زند تمام بودن قرآن کریم را به اهل بیت (ع) و این همان حدیث شریف ثقلین است که فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی، ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابدا». از این روایت دو نکته استفاده می شود:

1. آنچه پیامبر اکرم (ص) باقی گذاشته است برای بشر تا قیامت کافی است (پس دیگر نیازی به تشریع جدیدی نیست).
2. کمال قرآن به عترت گره خورده شده است تا آنان معارف قرآن را برای بشر تفسیر و تبیین کنند.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره نحل، آیه 89 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره بقره، آیه 2 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره بقره، آیه 185 [↑](#footnote-ref-3)
4. ر.ک: آلوسی، تفسیر روح المعانی، ج14، ص 317 [↑](#footnote-ref-4)
5. آلوسی، تفسیر روح المعانی، ج14، ص 318- 319 [↑](#footnote-ref-5)
6. المیزان، ج12، ص 324- 325 [↑](#footnote-ref-6)
7. بحارالانوار، ج2، ص 103، ح 81 [↑](#footnote-ref-7)
8. ر.ک: بحارالانوار، ج92، کتاب القرآن، باب ان للقرآن ظهرا و بطنا [↑](#footnote-ref-8)
9. کافی، ج1، ص 61 [↑](#footnote-ref-9)
10. کافی، ج1، ص 61، ح8 [↑](#footnote-ref-10)
11. کافی، ج1، ص 61، ح9 [↑](#footnote-ref-11)
12. عیاشی، ج2، ص 266 ؛ تفسیر البرهان، سید هاشم بحرانی، ج2، ص 308 [↑](#footnote-ref-12)
13. کافی، ج1، ص 59 [↑](#footnote-ref-13)